

خرا حافظ رفیق تک پایه

تغییر رویکرد آموزش در کلاس های چند پایه

نهایی از کلاس چند پایه
به این برش از کلاس چند پایه پنجم و ششم ابتدایی نگاه کنید:

«وقتی آموزگار وارد کلاس شد و سلام و احوال پرسید، از دانش آموزان پایه ششم خواست درس ۱۴ کتاب هدیه را مرور کنند. چون می خواست درس را از آنان بپرسد و بعد به سراغ درس جدید برود. سپس به سراغ کلاس پنجمی ها رفت و از آنها خواست تمرین دوم صفحه ۱۱۴ کتاب ریاضی را بیاورند. روز قبل به دانش آموزان گفته بود تمرین های این صفحه را حل کنند. دانش آموزی صورت سؤال را خواند و معلم نیز پای تخته، به صورت گفتاری، توضیحات بیشتری داد و مثال دیگری زد. پس از ده دقیقه، برای حل تمرین بعدی، به گروه کلاس پنجمی ها گفت: «روی این تمرین فکر کنید تا من بیایم» و به سراغ هدیه ی آسمان پایه ششم رفت و مشغول پرسیدن درس ۱۴ شد. پس از آن نام درس جدید را که «سرزمین های همیشه سرسبز» بود اعلام کرد. مطالب درس را به پنج قسمت تقسیم کرد و از هر نفر خواست یک پاراگراف آن را برای کنفرانسی که قرار است ۱۰ دقیقه بعد اجرا شود مطالعه کنند. دوباره به سراغ کلاس پنجمی ها رفت و از یک دانش آموز خواست پای تخته بیاید و سؤال را حل کند. در ادامه، از همیار معلم خواست به فرایند تمرین حل کردن دانش آموزان رسیدگی کند. باز هم به سراغ ششمی ها رفت و از نفر اول خواست قسمت خودش را شرح بدهد. در حین کنفرانس توضیحات لازم را می داد و از دانش آموزان می خواست هر چه را فهمیده اند بیان کنند. دانش آموزان به نوبت مشغول توضیح دادن قسمت خود بودند. آموزگار گاهی هم به تمرین هایی که به دانش آموزان کلاس پنجم داده بود رسیدگی می کرد و راهنمایی لازم را ارائه می داد.»

تدریس مستقل به هر پایه، با راهبردهایی برای مدیریت زمان در کلاس چند پایه، رونق پذیرفته شده ای در میان معلمان ایرانی است که اغلب آموزگاران در کلاس های کم جمعیت به تدریج بدان عادت می کنند و با آن سازگار می شوند.

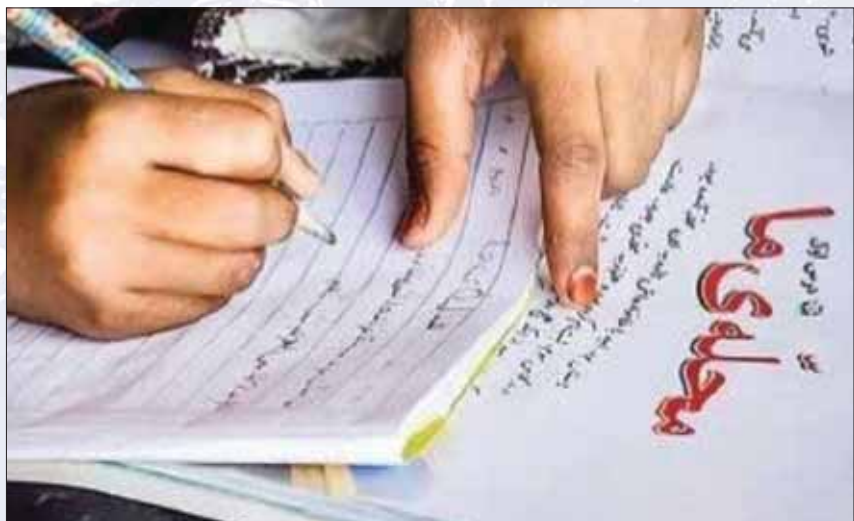
پشتوانه های نظری و عملی آموزش شبه تک پایه

نظریه ی رشد شناختی پیاژه (۱۹۷۰) که بر نقش بلوغ روانی در رشد شناختی کودکان تأکید می کند، طرحواره هایی را از مراحل رشد و نمو کودک تعریف می کند که در آن آمادگی یادگیری به سن وابسته است. این نظریه توانسته است به

دکتر مرضیه کهندل / مدرس دانشگاه فرهنگیان.

آموزش چند پایه در هر کشوری با نگاه به فرایندهای موجود در نظام آموزشی آن کشور اجرا می شود. در کشورهایی که محتوای آموزشی در کتاب های درسی مدون و مصوب شده است، خواه آموزش ها به صورت تک پایه و خواه به صورت چند پایه اجرا شوند، تدریس کلیه اهداف آموزشی مندرج در متن کتاب ها را باید آموزگار انجام دهد. الگوهای رایج برنامه ی درسی چند پایه به سازگاری با کلاس های تک پایه تمایل دارد و معلمان در برنامه ریزی درسی از یک مدل شبه تک پایه استفاده می کنند. در این مدل، آموزگار به هر یک از پایه ها به صورت مستقل آموزش می دهد. هنگامی که دانش آموزان بدون نظارت و به نوبه ی خود روی فعالیتی که آموزگار تعیین کرده است، کار می کنند، آموزگار ممکن است همان مقدار از زمان را با یک پایه ی دیگر صرف کند یا عمداً زمان بیشتری را به گروه هایی اختصاص بدهد که به همراهی او بیشتر نیاز دارند.

کلیدواژه ها: آموزش چند پایه، آموزش شبه تک پایه





همسالان را برای حمایت و گسترش یادگیری یکدیگر فراهم می‌کنند.

استفاده از ظرفیت محتوایی کتاب‌های درسی در تلفیق با تم‌های مشترک

● بسیاری از موضوعات کتاب‌های درسی در طول پایه‌ها توسعه می‌یابند و با تحلیل موضوعی محتوای کتاب‌های درسی، می‌توان میان پایه‌های متفاوت نوعی ارتباط طولی در خصوص یک موضوع یافت.

● معلم چندپایه به صورت هم‌زمان گروه‌های متعدد دانش‌آموزان را در اختیار دارد و می‌تواند با تدوین برنامه‌ی کلاسی، به نحوی که درس‌های مشابه مانند ریاضی برای همه‌ی پایه‌ها در یک ساعت اجرا شود، از ظرفیت ارتباط طولی بین محتواهای مشترک بهره‌برد.

● مشترک بودن موضوع، فرصت‌هایی را در طراحی آموزشی برای معلم فراهم می‌کند تا از روش‌های تدریس مشارکتی و راهبردهای حل مسئله به شکل مفیدتری استفاده کند.

● دانش‌آموزان پایه‌ی بالاتر برای پایه‌های پایین‌تر داربست‌های یادگیری می‌سازند و خود نیز از موقعیت‌های مروری و تقویت یادگیری‌های پیشین بهره‌مند می‌شوند.

● ناحیه‌ی مجاور رشد پایه‌های پایین‌تر هم در اثر قرار گرفتن در معرض گفت‌وگوهای سطح بالاتر از نظر موضوع و دیالکتیک زبانی توسعه می‌یابد و آن‌ها به‌مرور با کنجکاوای خلأهای یادگیری خود را پر می‌کنند.

پشتوانه‌های نظری رویه‌های بهبود

اثربخشی یادگیری مشارکتی و آموزش همسالان در کلاس‌های چندپایه توسط نظریه‌ی یادگیری سازنده‌گرایی اجتماعی ویگوتسکی (۱۹۷۸) پشتیبانی می‌شود. این نظریه رشد شناختی را به‌عنوان یک فرایند دیالکتیکی زبانی مورد ملاحظه قرار می‌دهد که در آن دانش‌آموزان با به اشتراک گذاشتن تجربه‌های حل مسئله با یکدیگر، مطالب را می‌آموزند. این راهبرد می‌تواند به دانش‌آموزان امکان بدهد تا از طریق رسیدن به آنچه ویگوتسکی به آن «ناحیه‌ی مجاور رشد» می‌گوید، یعنی فاصله‌ی بین آنچه دانش‌آموز می‌تواند به‌تنهایی کسب کند با آنچه از طریق حل مسئله در همکاری با همسالان بدان دست می‌یابد، بیشتر یاد بگیرند.

در ضمن، کلاس‌های درس چندپایه ظرفیت بالایی برای داربست‌سازی دارند، چرا که در آن‌ها دانش‌آموزانی از سنین و توانایی‌های متفاوت در حال یادگیری با یکدیگر هستند. داربست‌سازی را می‌توان به‌عنوان فرایندی تعریف کرد که در آن یادگیرنده به انجام بخشی از یک کار تشویق می‌شود که به‌تنهایی در توانایی وی نیست و پس از آنکه از طرف دیگران حمایت می‌شود، می‌تواند تمامی آن فعالیت را کامل کند. بدین ترتیب، هم یادگیری اجتماعی و هم شناختی را می‌توان در سراسر مرزهای سنی داربست‌سازی کرد و از ظرفیت آمادگی برای یادگیری دانش‌آموزان بیشتر بهره برد. این امر مستلزم ایجاد تغییراتی در طراحی آموزشی معلم و تدوین طرح درس‌های تلفیقی است.

حرکت به سمت آموزش تلفیقی با تم‌های مشترک

تلفیق در کلاس‌های چندپایه یک ضرورت است، چرا که به ایجاد وحدت و سازگاری میان منابع هدف‌گذاری در برنامه‌ی درسی و سهولت تدریس در کلاس‌های درس چندپایه می‌انجامد. به‌منظور تسهیل یادگیری در مرزهای سنی و پایه‌ای، آموزگار می‌تواند مبحث یا تم مشابهی از یک موضوع درسی مشترک را در آغاز و پایان درس به همه‌ی فراگیرندگان ارائه کند. در خلال آموزش نیز سؤالاتی را از کل کلاس می‌پرسد که در سطوح پایه یا توانایی‌های متفاوت تدوین شده‌اند و زمینه‌ی همکاری همسالان با غیر

مدتی طولانی پشتوانه‌ی مناسبی را برای توسعه‌ی برنامه‌ریزی تک‌پایه در مدرسه‌های ابتدایی فراهم کند. از سوی دیگر، مدل شبه تک‌پایه توسط مدل محتوایی ساخت برنامه‌ی درسی حمایت می‌شود که در آن محتوای آموزشی مرکب است از مجموعه دانش طبقه‌بندی‌شده با ترتیب و توالی منظم، و رهبری معلم برای احراز یادگیری ضروری است.

انتقادات به الگوی شبه تک‌پایه

پژوهش‌ها در مورد کلاس چندپایه نشان می‌دهند، پابندی مطلق به نظریه‌ی رشد شناختی پیاژه و استفاده‌ی مدام از روش شبه تک‌پایه در تدریس، می‌تواند مانعی جدی برای تحقق بالقوه‌ی یادگیری بین‌سنی و بین پایه‌ای تلقی شود. همچنین، مطالعات میدانی نشان می‌دهد، حتی در جایی که آموزگاران به‌خوبی آموزش دیده‌اند و انگیزه و امکانات کافی دارند نیز، در یک جلسه، ارائه‌ی برنامه‌های آموزشی مستقل به بیش از دو یا سه پایه دشوار است. از این رو، تبدیل شدن این الگو به‌عنوان مدلی ملی، برای مدرسه‌های دورافتاده و کم‌جمعیت موجب نگرانی خواهد بود، چرا که در کلاس چندپایه معلم نمی‌تواند به‌طور مداوم به هر دانش‌آموز دسترسی داشته باشد. در این میان، وی نیازمند استفاده از راهبردی است تا دانش‌آموزان را به‌منظور حمایت از یادگیری یکدیگر، مانند یادگیری مشارکتی یا تدریس خصوصی دانش‌آموزان هم‌سن و غیر هم‌سن به یکدیگر، تشویق کند.